



Discourse Analysis; A New Approach in the Jurisprudence of Jihad from the Perspective of Islamic Scholars and Thinkers¹

Mohammad Taqi Fakhlaei¹  Boshra Abdekhodaei² 

1. Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Legal Principles, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

fakhlae@um.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Legal Principles, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author).

abdkhodaei@um.ac.ir

Abstract

Discourse studies analyze the emergence and formation of a thought within a society and how it influences the direction of ideas. Islamic Jurisprudence (Fiqh), as an ancient science, has always impacted the lives of believers within society, and it has been confronted with numerous discourses both internally and externally. In the contemporary world, with the rise of philosophical and rational approaches to jurisprudential rulings, discourse analysis in jurisprudence has become essential. In this research, Islamic jihad, as an important jurisprudential institution, which in the recent century has faced multiple interpretations, is selected. Each interpretation, which is shaped around one or more specific discourses, is analyzed to uncover the roots of each interpretation. This analysis, due to

1. This article is part of a postdoctoral project, code 99028732, supported by the Iran National Science Foundation (INSF) and the National Elite Foundation.

* Fakhlaei, M. T., & Abdekhodaei, B. (2025). Discourse analysis; A new approach in the jurisprudence of jihad from the perspective of Islamic scholars and thinkers. *Journal of Fiqh*, 31(119), 196-230. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.68875.2797>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 23/04/2024 ● **Revised:** 10/07/2024 ● **Accepted:** 05/02/2025 ● **Published online:** 27/02/2025

© The Authors



its comprehensive and philosophical perspective, avoids being narrowly focused and aims to reach the correct interpretation of jihad that meets the needs of the time. Interpretations based on the discourses of text, defense, exclusivity, rights, power, and the objectives of Sharia are identified. After being independently explained, these interpretations are synthesized, with particular attention given to the interpretation based on the discourse of objectives.

Keywords

Jurisprudence of Jihad, Objectives of Jihad, Philosophy of Jihad, Discourses of Objectives.

گفتمان‌کاوی؛ رهیافتی نو در فقه جهاد از نگاه

فقیهان و اندیشمندان مذاهب اسلامی^{۱*}

ID^۱ محمدتقی فخلعی

ID^۲ بشری عبدخدایی

۱. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

fakhlai@um.ac.ir

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

abdkhodaei@um.ac.ir



چکیده

مطالعات گفتمانی، رویش و شکل‌گیری یک تفکر در بستر اجتماع و نحوه اثرگذاری آن را تجزیه و تحلیل و از ورای آن به جهت‌بخشی اندیشه اقدام می‌کند. فقه به‌عنوان دانشی دیرین که در بستر اجتماع همواره برای مکلفان اثرگذار بوده است، با گفتمان‌های متعددی در درون و بیرون خود مواجه گردیده است. این امر در دنیای معاصر و ظهور رویکردهای فلسفی و عقلی به احکام فقهی جلوه بیشتری یافته و گفتمان‌کاوی در فقه را با ضرورت مواجه ساخته است. در تحقیق پیش رو جهاد اسلامی به‌عنوان یک نهاد مهم فقهی که در قرن اخیر بیش از هر زمان با خوانش‌های متعدد روبرو است، انتخاب شده تا یکایک خوانش‌ها را که بر محور یک یا چند گفتمان معین شکل گرفته تحلیل کند و ریشه‌های شکل‌گیری هریک از خوانش‌ها را بازشناسد. این تحلیل به‌دلیل نگاه فرافقه‌ی و فلسفی از جزئی‌نگری

۱. مقاله طرح پسادکتر اکد ۹۹۰۲۸۷۳۲ تحت حمایت بنیاد ملی ایران (Iran National Science Foundation (INSF)) و بنیاد ملی نخبگان می‌باشد.

* **استناد به این مقاله:** فخلعی، محمدتقی؛ عبدخدایی، بشری. (۱۴۰۳). گفتمان‌کاوی؛ رهیافتی نو در فقه جهاد از نگاه فقیهان و اندیشمندان مذاهب اسلامی. فقه، ۳۱ (۱۱۹)، صص ۱۹۶-۲۳۰.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.68875.2797>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹



معاف بوده و در راستای رسیدن به خوانش صحیح از جهاد که مقتضای نیازهای زمان باشد، گام برداشته است. خوانش‌های مبتنی بر گفتمان‌های نص، دفاع، اختصاص، حقوق، قدرت، و مقاصد شریعت شناسایی و پس از تبیین مستقل باهم‌خوانی شده و در میان همه، خوانش مبتنی بر گفتمان مقاصدی مورد عنایت بیشتر واقع شده است.

کلیدواژه‌ها

فقه جهاد، مقاصد جهاد، فلسفه جهاد، گفتمان مقاصدی.

مقدمه

گفتمان (Discourse) واژه‌ای است که در دهه‌های اخیر در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی کاربرد رایجی یافته و به معنای ارتباط گفتاری یا نوشتاری است.^۱ مطالعات گفتمانی یا تحلیل گفتمان یا گفتمان‌کاوی معنای پیچیده‌تری دارد (دایک، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

گفتمان دین و گفتمان دینی: آنگاه که از گفتمان دین سخن می‌گوییم. در واقع دین را به‌مثابه باورها، اعمال، و نهادهایی در جامعه می‌دانیم که از امری قدسی الهام گرفته و برای اثبات خود در بستر اجتماع با منطق و کلام خاصی با انسان مواجه گشته است (عیوضی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷). مطالعات گفتمانی در فقه سرنوشت مشابهی با مطالعات گفتمانی در حوزه دین می‌یابد.

ضرورت مطالعات گفتمانی در فقه: دانش فقه در حوزه‌های مختلفی از علوم اجتماعی نقش آفرینی می‌کند؛ قانون‌گذاری در جوامع مسلمان از احکام فقهی و رویکرد فقیهان متأثر است. علاوه بر این، گفتمان‌کاوی در فقه در دوران حاضر، به دنبال تحولاتی که در حوزه‌های گوناگون این دانش رخ داده و آن را در برابر نگاه‌های پرسش‌گرانه فلسفی و عقلی به موضوعات و مسائل شرعی قرار داده، اهمیتی افزون یافته است. از دو قرن گذشته، در پی ظهور رویکردهای فلسفی در حقوق و پیدایش فلسفه مدرنیته، موضوعات و مسائل فقهی نیز از اثرپذیری از چنین تحولاتی مصون نماند و با چالش‌های متعددی روبرو شد؛ چالش‌هایی که در پی آن انسان احکام فقهی را از دریچه نگرش‌های فلسفی نگریست و می‌بایست در برابر پرسش‌های تردیدافکنانه‌ای که تمامی مسائل را به داوری عقل و علم می‌سپردند، پاسخی منطقی می‌داد.

گفتمان‌کاوی در فقه جهاد؛ پیشنهاد، پیشینه، نوآوری: با نظر به تراث فقهی جهاد، پیشینه‌ای مدون که با نگاهی گفتمان‌کاوانه به مقوله جهاد نگریسته باشد، نتوان یافت و از این منظر رویکرد نوآورانه جستار حاضر روشن خواهد شد. فقیهان در طول قرن‌ها به پدیده جهاد رویکردی سنتی داشته‌اند که دربردارنده مفهوم مبارزه رویارو با دشمن طبق

1. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/discourse>

ضوابط مقرر در نصوص شرعی بود. در قرون اخیر با رشد افکار فلسفی و سیطره فلسفه حقوق مدرن بر اندیشه بشر، سیلاب تردیدها و شبهه‌ها به سوی پدیده جهاد سرازیر شد و در پی آن رویکرد چستی‌شناسانه جای خود را به رویکرد سنتی مبتنی بر تفسیر غیرمعلل متن داد. در برابر اعتراض و انتقاد مخالفان، مصلحان و روشنفکران دینی درصدد برآمدند با ارائه تفسیر مقبولی از چستی جهاد، به آن چهره‌ای ملائم با حقوق مدرن دهند. ضمن اینکه کسانی هم درصدد برآمدند با دفاع همه‌جانبه از خوانش تاریخی و فقهی جهاد اسلامی همه شبهه‌ها را در مورد آن از ریشه نادیده انگارند و جهاد را بی‌چون و چرا حق مسلم اسلام و مسلمانان وانمود کنند.

با نظر به کلیه خوانش‌های فلسفی و چستی‌شناسانه عرضه شده از جهاد اسلامی، این نکته قابل تصدیق است که هر کدام بر محور یک یا چند گفتمان می‌چرخد. از این رو تحلیل گفتمان‌ها و تأثیراتی که بر خوانش‌های گوناگون از جهاد گذاشته است، می‌تواند پژوهشی مؤثر و نوآورانه برای ورود ناقدانه و حقیقت‌جویانه در میدان بحث باشد.

با توجه به تعریفی که از گفتمان ارائه شد، هر نوشتاری در موضوع جهاد که ما را در شناخت ریشه‌های خوانش‌های گوناگون از جهاد کمک کند، در حقیقت پیشینه‌ای برای این موضوع محسوب است. می‌توان نگاشته‌هایی چون جهاد در اسلام نعمت‌الله نجف‌آبادی، آثار الحرب فی الفقه السلامی و هبة الزحیلی، تطور مفهوم الجهاد محمود محمد احمد، الجهاد فریضة غائبة عبدالله بن عزام، الجهاد مشروع فی الاسلام عبدالله بن زید آل محمود و جهاد در نظریه دین و قدرت عبدالکریم سروش و نیز نوشتارهای معاصر چون تأملی درباره جهاد ابتدایی دعوت محمدتقی فخلعی، واکاوی دیدگاه آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی پیرامون جهاد ابتدایی کیوان احسانی، جهاد ابتدایی در عصر غیبت محمد مؤمن، مبانی فقهی جهاد ابتدایی جواد ورعی، حقوق بشر معاصر و جهاد ابتدایی در اسلام معاصر محمد جواد جاوید، بررسی و تبیین حکم اجتماعی جهاد ابتدایی در اسلام از منظر شهید استاد مطهری محمدامیر حق‌شناسی را نام برد. این نگاشته‌ها از آن جهت که در خوانش جهاد بر گفتمان مطلوب خود تکیه می‌کنند، بخشی از پیشینه تحقیق‌اند، لیکن از رویکرد صریح به مفهوم گفتمان، تهی. وجه تمایز نوشتار حاضر با پیشینه‌ها

علاوه بر ابتکارورزی در مطالعه گفتمانی، شناسایی و تجمیع و تحلیل گفتمان‌هاست. گفتنی است شناسایی مجموعه گفتمان‌ها به شناسایی ضعف‌ها و قوت‌ها و نکات تحسین‌برانگیز و انتقادبرانگیز هر یک می‌انجامد و در پی آن می‌توان دست به ترجیح و گزینش زد و با اتخاذ رویکردی مبتنی بر گفتمان مقاصد شریعت به تفسیری نو در باب جهاد متناسب با مقتضیات تاریخی و عصری دست یافت که موقعیت این نهاد مهم اسلامی را در دوران حاضر به‌خوبی در معرض دیدگان قرار دهد. شایان ذکر است با توجه به حجم وسیع مباحث مربوط به تحلیل گفتمان‌ها، نوشتار حاضر به شناسایی و تحلیل خوانش‌های جهاد، موقعیت‌یابی آن‌ها در گفتمان مربوط و تبیین ضعف و قوت خوانش‌ها اختصاص یافته است. موقعیت گفتمان مقاصد، نقش و وجوه برتری آن در تفسیر چپستی‌شناسانه جهاد اسلامی در مقالات بعدی تبیین خواهد شد.

۱. گفتمان‌ها در فقه جهاد

گفتمان‌هایی که مبنای خوانش‌های گوناگون از جهاد واقع شده است در یک برش‌گاه تاریخی قرار گرفته است. گفتمان اجتهاد سنتی پیش از دو قرن گذشته، خوانش‌های نص‌محورانه از جهاد ارائه داده است و گفتمان‌های دو قرن اخیر با رویکرد فلسفی تحولی در خوانش‌های فقهی جهاد باعث شده است:

۱-۱. گفتمان نص‌محور

متون برگرفته از قرآن و سنت که نصوص شرعی خوانده می‌شوند، گرچه در میان اکثر گفتمان‌ها منبع اصلی احکام شریعت‌اند، لکن تعبد ویژه بر آن‌ها و بسندگی به ظاهر آن، موجب به‌وجود آمدن گفتمان نص‌محور شده که در برابر سایر گفتمان‌ها قرار می‌گیرد. این گفتمان تهی از مفاهیم فلسفی و عقلی است و خود را متعبد بر نص می‌داند.

۱-۱-۱. شاخص‌های گفتمان نص‌محور

موارد زیر شاخص‌های اصلی گفتمان نص را تشکیل می‌دهد:

۱-۱-۱. تکیه بر ظواهر نصوص

در این گفتمان، از اعتبار نصوص و صلاحیت آن‌ها برای به دست آوردن احکام شرعی سخن گفته شده؛ از آنجا که نصوص شرعی، آموزه‌هایی با خاستگاه وحیانی است، صلاحیت آن را دارد که بیانگر قوانین مورد نیاز زندگی بشر باشد (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷). در این خوانش همه سعی فقیه مستنبط، به یافتن معذرها و مؤمن‌ها معطوف است و آن را از دل ظواهر متن به دست می‌آورد.

۲-۱-۱. تعبد و توقیف

سیطره نص در این گفتمان بدان حد است که فقیه را به تعبد حداکثری در احکام فقهی وامی‌دارد و اصل توقیفی و تعبدی بودن احکام را در برابر اصل تعلیل و تعقل می‌نشانند (صابری، ۱۳۸۱، صص ۲۶-۲۵). این بارزترین ویژگی گفتمان نص است؛ از این رو گرچه در سایر گفتمان‌های پیش رو نیز نص، کمابیش، جایگاه قابل توجهی یافته، اما در سایر گفتمان‌ها غلبه نگاه فلسفی و تعلیلی منجر شده که فقیهان ظاهر نصوص را در سایه ابزارها و سازوکارهای متکی به اصل تعلیل و تعقل، علت جویانه و غایت‌گرایانه تحلیل کنند.

۳-۱-۱. پیوند با اجماع و شهرت

در گفتمان نص، اجماع منزلتی ویژه یافته و علت آن نوعی اطمینان خاطر از میراث متعبدانه‌ای است که از صاحب شریعت زنجیره‌وار و سینه‌به‌سینه میان فقیهان نقل شده است و هم‌آغوشی نصوص با اجماع این تعلق خاطر به احکام توقیفی را تکمیل می‌کند. تردیدهای سرازیر به سوی صغرای اجماعات فقهی نهایتاً موقعیت اجماع را در حد شهرت فرو کاسته که آن نیز نزد کثیری از فقیهان از استواری بسیار برخوردار است.^۱

۱. شایان ذکر است که مراد از شهرت در اینجا رأی فقهی و فتوایی است که با اقبال و همراهی خیل کثیری از فقیهان در یک دوره یا جمیع دوره‌ها روبه‌رو شده است؛ چه در چهره شهرت فتوایی به معنی مصطلح اصولی که مدرک شناخته‌شده‌ای ندارد، و چه شهرتی که از مدارک و مستندات شناخته‌شده متنی و غیره برخوردار است.

۱-۲. خوانش جهاد مبتنی بر گفتمان نص‌محور

فقیهان ابتدا با تکیه بر نصوص شرعی از وجوب و فضیلت جهاد و سپس از انواع جهاد سخن گفته‌اند. در کتاب‌های فقیهان متقدم امامیه چون شیخ طوسی و ابن‌ادریس، جهاد با توجه به احکام مقاتلین (کسانی که جهاد با آنها فرض است) به سه قسم «جهاد با کفار و مشرکان»، «جهاد با اهل کتاب» و «جهاد با بغاة» تقسیم شده است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۹؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱). براین اساس جنگ با همه فرقه‌های کفار واجب است و آنان به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ از یک دسته جز اسلام پذیرفته نمی‌شود و چنان‌چه نپذیرند خود کشته و فرزندانشان اسیر می‌شوند. در این میان، کتابیان یا اهل ذمه استثنا شده‌اند؛ به طوری که از این گروه جزیه پذیرفته می‌شود و سلامت جانشان تضمین می‌گردد، و اگر از پرداختن جزیه خودداری یا در شرایط آن اخلال کنند، حکمشان چون سایر کفار است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۴). در کتب فقهی متأخر اقسام جهاد به شکل گسترده‌تر مطرح شده و با دو اصطلاح جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی روبرو هستیم (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۶؛ صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۴).

در خصوص این خوانش نکات مهمی وجود دارد که توجه به آن ضروری است: یک. به گزارش برخی کتب فقهی اهل سنت، لزوم جهاد در پرتو نگاه تاریخی به زندگانی پیامبر اکرم تبیین گردد (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، صص ۱۷۹۷-۱۷۹۵؛ ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۰۲). از این منظر با استناد به آیات قرآن دعوت پیامبر در ابتدای بعثت، به صورت موعظه و نصیحت است (نحل، ۳۵)^۱، سپس اذن در جهاد دفاعی می‌یابد (الحج، ۳۹)^۲ و در مرحله واپسین، رسالت پیامبر با جهاد دعوت در گسترش آیین اسلام تکمیل می‌گردد (بقره، ۱۹۳).^۳ در کتب اهل سنت، همه حقیقت جهاد در جهاد ابتدایی دعوت چهره یافته و

۱. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.»

۲. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا.»

۳. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» و «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ.»

کتر سخن از جهاد دفاعی به میان آمده است (ابن‌همام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۳۴).

دو. فقها فتوا داده‌اند که پیش از شروع جنگ لازم است کفار را به اسلام دعوت کنند و در صورت عدم قبول، به جنگ وارد شوند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۵۲؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۷۹۸؛ ابن‌قمامه، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۳۶). بعضی هم دعوت به اسلام قبل از شروع جنگ را در همه شرایط از باب اتمام حجت لازم دانسته‌اند (الزحلی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۶).

سه. ادله این خوانش، نصوص قرآن و روایات است؛ در این میان فقیهان با برجسته کردن نقش انگاره نسخ، مجموعه‌ای از آیات و روایات که به عفو و صفح مشرکان فرمان داده یا جنگ و قتال را با ادبیات دفاعی تبیین کرده را کنار نهاده و مدعی نسخ آنها شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۹۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۷۲؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۴).

چهار. گروه هدف در جهاد ابتدایی، همه غیرمسلمانانند و در آن تصویری از نبردی فراگیر با کافران ارائه شده است؛ نبرد مسلمانان با غیرمسلمانان اعم از نظامیان و غیرنظامیان، صاحبان مناصب و حکمرانان و عموم مردم. فقط گروه‌هایی مانند زنان، کودکان، سالخورده‌گان و اصحاب دیر و کیش استثنای شده‌اند (صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۳).

پنج. گرچه فقیهان در برخی از فروع جهاد ابتدایی چون وجوب همه‌ساله جهاد، اختلاف ورزیده‌اند، اما بر این که در رویارویی با غیرمسلمانان سه گزینه پذیرش اسلام، قتل و پیمان دمه و پرداخت جزیه (صرفاً در مورد کفار ذمی) پیش رو قرار دارد، تسالم ورزیده و اجماع یافته‌اند (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۸۰).

۲-۱. گفتمان اختصاص

این گفتمان به‌طور ویژه به فقه شیعه متعلق است و تکیه بر مفروضات کلامی شیعی دارد. بر پایه این گفتمان، تحقق و اجرای برخی احکام شرعی به عصر حضور معصومان علیهم‌السلام اعم از پیامبر و امامان هدی اختصاص یافته است.

۱-۲-۱. شاخص‌های گفتمان اختصاص

گفتمان اختصاص مبتنی بر چندین شاخصه اصلی علم، عصمت و لزوم نصب جانشینان پیامبر ﷺ است (بابایی، ۱۳۸۷، صص ۲۹-۷۷).

مصادیقی از احکام فقه که در گفتمان اختصاص اجرای آنها در گرو حضور پیشوای معصوم است عبارتند از: نماز جمعه (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۷۷؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۰۲)، اجرای حدود (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۲۵، ۲۴؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۷۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۱۱)، استفاده از انفال (حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۷۴)، و جهاد دعوت.

۲-۲-۱. خوانش جهاد مبتنی بر گفتمان اختصاص

مشهور فقیهان و جوب جهاد ابتدایی دعوت را به حضور امام معصوم علیه السلام منوط ساخته‌اند (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۸۱). مجموع روایات وارده در این زمینه از حیث تعداد اندک نیست و به قدری است که گفتمان اختصاص از دل آن بروید. مضمون مشترک این روایات، سرپرستی جهاد را منحصرأبر عهده امام نهاده است. در این روایات با عبارت «لا الجهاد الا للامام» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۱۹؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۵) روبرویم. اغلب فقیهان ظهور اولیه روایات را اختصاص فریضه جهاد به حضور امام می‌دانند. در خصوص ریشه‌ها و زمینه‌های این خوانش می‌توان به واقعیتی اشاره کرد و آن اینکه فریضه جهاد اسلامی در عصر فتوحات در دست خلفا و حکام جائر قرار گرفت و عملاً کارکرد مثبت و سازنده خود را از دست داد و به ابزاری برای بسط قدرت، فتح سرزمین‌ها و چنگ‌زدن به منافع، ثروت‌ها و غنائم بدل گشت. امامان معصوم با مشاهده چنین وضعیت خطیر و آسیب‌باری باب جهاد را بر روی شیعیان خود بستند و در انتظار نشستند، تا اینکه حجت قائم به پاخیزد و وی جهاد را به مسیر درست خود هدایت کند. احساس تحفظ‌گرایی به دلیل مخاطره‌آمیز بودن جهاد که بر ذهنیت فقیهان غالب شد به حدی بود که تمایل به اصلاح و ویرایش اندیشه فقهی جهاد ابتدایی از طریق جانشین کردن نقش فقیه عادل به جای امام و حجت معصوم هم

کمتر تأثیری بر دگرگونی این اندیشه نهاد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۴؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۱۳).

۳-۱. گفتمان حقوق (حق مداری)

در گفتمان حقوق، نظر به واژه حق (مفرد حقوق) دوخته شده است و می‌توان آن را گفتمان حق مدارانه نیز نامید. منظور از حق در این کاربرد، سلطنت و امتیاز برای صاحب حق است؛ گفتمانی که در آن پدیده‌های حقوقی با خوانشی حق مدارانه روبرویند، پدیده‌ها و رفتارها از منظر تحصیل یا تضييع حق تحلیل می‌گردد و رابطه‌ها و تعامل‌ها با نظر به حقوق افراد اطراف آن شکل می‌گیرد.^۱

۱-۳-۱. شاخص‌های گفتمان حق مداری

در این گفتمان با دو دسته از حقوق مواجهیم:

حق خداوند: در ادبیات دینی، حق‌الله بحثی شناخته‌شده و دارای کاربردهای متعدد در حوزه‌های مختلف است.

حق مخلوقات: در مقابل حق خداوند، حقوقی مطرح می‌شود که با اراده‌ی وی به مخلوقات بخشیده شده است که از آن به حق‌الناس تعبیر می‌گردد.

در میان تفاسیر چپستی‌شناسانه جهاد، خوانش‌های حق‌محور و حق‌مدارانه چندگانه‌ای ارائه شده است. این گونه‌گونی به اعتبار مضاف‌الیه حق و دارنده حق است و هر گروه جهاد را ابزاری در راستای تحصیل یا تضييع حقوقی تحلیل کرده است:

۱-۳-۲. خوانش جهاد مبتنی بر حق بر دفاع و امنیت

در این خوانش، جهاد اسلامی در راستای استیفای حق بر دفاع و امنیت به مثابه یکی

۱. گفتمان حقوق کاملاً معنای متفاوتی از گفتمان حقوقی دارد. گفتمان حقوقی، زبان‌شناسی دانش حقوق است که در راستای شناخت حقوق به معنای قوانین و تحلیل و کاربرد آن قدم برمی‌دارد، درحالی که گفتمان حقوق بر شناخت امتیازها و سلطنت‌های صاحبان حق تمرکز یافته است.

از حقوق فطری تفسیر می‌یابد. این خوانش به‌هیچ‌روی جهاد ابتدایی و تهاجمی را برنتابیده و صرفاً قائل به وجوب جهادی است که در مقابله با تهاجمی آشکار موضوعیت یابد. در این نگاه دفاع به همان معنای اخص و شناخته‌شده نزد عرف دنبال می‌شود.^۱

خوانش دفاعی از جهاد نخست به بازخوانی ادله متنی جهاد ابتدایی دعوت پرداخته است و با نگاهی مجموعی به آیات قرآن، ساختار آیات جهاد را ترکیبی از مطلق و مقید دانسته است و بر اساس قواعد اصولی، با حمل آیات مطلق جهاد بر آیات مقید، به تفسیری دفاعی دست یافته است. در این نگاه آیاتی از قبیل «فَاتْلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ...» (توبه، ۷)، «فَاتْلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ...» (توبه، ۱۲۳)، «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ...» (نساء، ۷۴)، و «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ» (بقره، ۲۱۶) که به‌طور مطلق دستور به جهاد با کافران می‌دهد، توسط آیات مقید مانند «أُذِّنُ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلْمُوا...» (حج، ۳۹) و «فَاتْلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره، ۱۹۰)، «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره، ۱۹۴)، «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ» (نساء، ۷۵) تفسیر می‌گردد و نتیجه آن جهاد با کافرانی است که به ستیز با مسلمانان برخاسته‌اند و این تفسیری دفاعی از جهاد است. این دیدگاه با به‌کارگیری قاعده اصولی حمل مطلقات بر مقیدات از آیات قرآن چنین نتیجه گرفته که جنگ با کفار فقط وقتی مجاز است که کافران آغازگر جنگ باشند و مسلمانان در مقام دفاع برآیند (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۴۰؛ صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۰؛ الزحیلی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۱۸؛ محمد رشید، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص، ۳۱۴-۴۶۱).

خوانش دفاعی دلیل سنت و سیره را نیز در همین راستا تحلیل و تبیین کرده و با

۱. باید توجه داشت که مفهوم دفاع دارای اجمال است که منجر به پدید آمدن دو رویکرد شده: نخست، دفاع به معنی اخص که تنها قائل به وجوب جهادی است که در مقابله با تهاجم باشد؛ دوم، رویکردی که مفهوم دفاع را توسعه می‌بخشد و احقاق حقوق مظلومان و مستضعفان و برپایی حق الهی یگانه‌پرستی و توحید را نوعی دفاع تلقی می‌کند که ذیل بحث حق الهی و آزادی مورد توجه واقع خواهد شد.

نگاهی نقادانه به گزارش‌هایی که چهره‌ای تهاجمی از غزوات و سرایا ارائه کرده، کوشیده است تمامی جنگ‌های پیامبر ﷺ را تفسیری دفاعی بخشد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۷۴).

۱-۳-۳. خوانش جهاد مبتنی بر حق بر توحید

از معانی توحید هدف‌دار بودن جهان و وابستگی نظام آفرینش به مبدأ حکیم است تا با راهنمایی‌های خویش سعادت را برای موجودات رقم زند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۵۰). از توحید به‌عنوان حق نیز یاد می‌شود. پیش از این از دو نوع حق خداوند و مخلوقات سخن به میان آمد. توحید از يك منظر حق خداوند است. از نظر منطق صریح اسلام، انسان در همه هستی و وجودش وام‌دار خداوند متعال است و همه حقوق وی از او نشأت می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ج ۱، ص ۱۱۰).

با عنایت به این نکته مقدماتی، جهاد ابتدایی در پرتو حق یگانه‌پرستی از دو جهت تحلیل می‌گردد:

نخست: جهاد ابتدایی احیاگر حق الهی: در این رویکرد، از آنجا که حق خداوند مقدم بر حقوق انسان‌هاست و پرستش خداوند نیز از جمله حقوق اولیه‌ای است که مکلفان بایستی آن را رعایت کنند، جهاد ابتدایی، زمینه‌ساز و احیاگر این حق شناخته می‌شود؛ زیرا با برافراشتن پرچم اسلام در میان ملت‌های غیرمسلمان و وادار ساختن ایشان به عقیده‌مند شدن به توحید، حق الهی تأدیه می‌گردد. این رویکرد معتقد است که آزادی و سایر حقوق بشر، چون که مرتبه‌ای پس از حق خداوند دارند، در تراحم با حقوق الهی نادیده انگاشته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۴۱۱). چنین رویکردی توجیه‌گر جهاد ابتدایی با خوانشی است که در گفتمان نص‌محور تبیین شده و در واقع پشتوانه فلسفی و چپستی‌شناسانه آن را تشکیل می‌دهد.

دوم: جهاد ابتدایی آزادی‌بخش انسان و زمینه‌ساز حق بشر در پرستش خداوند: این رویکرد حق‌مدارانه، به دنبال استیفای حقوق بشر است و توحید را از جمله حقوق بشری می‌داند؛ از آن رو که موجب رشد و تعالی انسان است و باید هر مانعی که

سد راه چنین زمینه رشدی گردد از میان برداشته شود؛ از این رو جهاد ابتدایی را آزادی بخش انسان‌ها از بند مستکبران دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۴۵-۵۱).

۱-۳-۴. خوانش جهاد مبتنی بر حق بر آزادی

آزادی از جمله اساسی‌ترین حقوق بشر است. در این میان برخی جهاد را عاملی آزادی بخش برای انسان می‌شمارند و در راستای تحقق حق الهی و انسانی توحید تفسیر می‌بخشند. این مطلب پیش‌تر در بحث حق یگانه‌پرستی پرداخته شد، لیکن در این بخش از نوشتار تمرکز بر خوانش دیگری است که حق آزادی سرنوشت را بدون هیچ حدومرزی دنبال می‌کند و معتقد است جهاد ابتدایی دعوت، با این حق مغایر است. در این خوانش دعوت به راه حق به هیچ‌روی با زور و اجبار سازگار نیست. این رویکرد ادله خود را بر پایه قرآن و سنت تحکیم بخشیده است، آنجا که خداوند دین را امری اجبارناپذیر معرفی می‌کند^۱ (بقره، ۲۵۶؛ کهف، ۲۹). در بخش دیگری از آیات هیچ‌یک از پیامبران و هدایت‌گران راه توحید از روش‌های مبتنی بر زور و اجبار، چون جهاد استفاده نکرده‌اند^۲ (غاشیه، ۲۲، ۲۱؛ عنکبوت، ۱۸؛ یونس، ۹۹؛ ق، ۴۵). به نظر این گروه، پایان دعوت انبیا، حتی اگر منجر به پذیرش توحید از سوی فراخوانده‌شدگان نباشد، با خونریزی و تهدید همراه نیست^۳ (طه، ۴۴)؛ از این رو نمی‌توان هیچ‌گونه توجیهی برای جواز جهاد ابتدایی دعوت با خوانش سنتی آن یافت.

اصل آزادی در دلالت سنت و سیره نیز مانند قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد. از مهم‌ترین شواهد و ادله، سخنان و سیره عملی پیامبر ﷺ در خصوص اهمیت به آزادی است. برخی بر این باورند که طبق گزارش‌های تاریخی مهم‌ترین جنگ‌های پیامبر ﷺ جنبه تهاجمی

۱. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» و «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ.»

۲. «فَدَكَّرَ إِنَّمَا أَنْتَ مُدَكَّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ؛ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ.»

۳. «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسَ لَنَا لَعَلَّهٖ بِنَدَاكَرٍ أَوْ يَحْسَبِي.»

نداشته و همگی پاسخی بوده است به توطئه‌ها و اذیت و آزارهایی که مشرکان و منافقان برای مسلمانان ایجاد می‌کرده‌اند. در خلال این جنگ‌ها پیامبر ﷺ هیچ‌گاه افراد را مجبور به اسلام آوردن نکرده است (ایازی، ۱۳۷۹، صص ۱۳۹-۱۴۰).

۱-۳-۵. خوانش جهاد مبتنی بر حق بر حیات

از جمله حقوق مسلم بشر، حق حیات است. طبق ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر «هر فردی محق زندگی، امنیت و آزادی فردی است.» کسانی که به نقد جهاد ابتدایی دعوت روی آورده‌اند، در نقد خود از جمله به حق حیات توجه ویژه کرده‌اند؛ از آن‌رو که در جریان يك جنگ، خواسته یا ناخواسته، جان انسان‌های بی‌شماری مورد تهدید واقع می‌شود و حیات ایشان سلب می‌شود؛ پس چگونه است مسلمانان در زیر بیرق جهاد ابتدایی جان انبوهی از آدمیان را هدف قرار دهند، صرفاً از این باب که حاضر نشده‌اند به سادگی از آیین موروثی خود دست کشند؟ نگاه مجموعی به ادله و اسناد فقهی نیز حق حیات را به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر به اثبات می‌رساند؛ اصل اولی و مستفاد از عموماتی چون «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...» (انعام، ۱۵۱) حرمت و مصونیت جان انسان‌ها است و خروج از این اصل دلیل قطعی می‌طلبید (فخلعی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۸).

رویکرد اندیشمندان اسلامی به حق حیات را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: گروهی معتقدند «حق حیات فرد تنها با تجاوز او به حق حیات مادی دیگران پایان نمی‌پذیرد، بلکه تجاوز به حیات معنوی که بسی خطرتر و خطرناک‌تر است نیز موجبی برای پایان حق حیات متجاوز محسوب می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۷۹، ص ۱۸۷). در این رویکرد آیات جهاد در قرآن کریم، در راستای همین اندیشه تفسیر شده است.

در مقابل به باور دکتر محقق داماد و برخی دیگر از محققان، گرچه حق حیات امری مطلق نیست و سلب زندگانی مادی انسان‌ها در مواردی شرعاً جایز است، اما از آنجا که هر انسانی از آن نظر که انسان است واجد کرامت انسانی است و از حق حیات برخوردار است، حفظ نفس شدت احتیاط را می‌طلبد و باید موارد نقض به حدود

منصوصه که شامل قصاص و اعدام (اقدام علیه امنیت) است محدود شود (کمیسون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۳۸۸، صص ۵۴-۵۳).

۱-۴. گفتمان قدرت

آن گاه که از گفتمان قدرت در مسائل سیاسی سخن گفته می شود، اشاره به منطقی دارد که همه موضوعات سیاسی را ذیل هدف اقتدارگرایی و سلطه جویی تفسیر می کند (بخشایشی، ۱۳۷۶، ص ۷۳).

۱-۴-۱. خوانش جهاد مبتنی بر گفتمان قدرت

خوانش دیگری از جهاد که در ذیل گفتمان قدرت مطرح شده، به اسلام به مثابه یک نهاد قدرت جو نظر افکنده که از این حق برخوردار است که برای بسط زمینه اقتدار خود، زمین گیر کردن رقیبان و کسر شوکت آنان از ابزار سلاح و طریقه جهاد استفاده کند. می توان خوانش مبتنی بر گفتمان قدرت را در دو قسم جای داد:

۱-۴-۱-۱. خوانش سلفیه از جهاد

ظهور این خوانش به نیمه قرن بیستم میلادی بازمی گردد که همزمان با سيطرة غرب بر مسلمانان است. پس از فروپاشی عثمانی افزایش دامنه تجاوز استعمارگران منجر به کاهش قدرت سیاسی جوامع مسلمان و وابستگی اقتصادی و فرهنگی این جوامع به غرب و دولت های استعمارگر شد و انحطاط بسیاری از ارزش ها و باورهای دینی را در پی آورد؛ از این رو نهضت اصلاحی اسلامی به سرمداری شخصیت هایی چون سید جمال الدین اسدآبادی، حسن البناء، ابوالاعلی مودودی و سید قطب به عنوان احیاگران هویت اسلامی به روشنگری در جوامع مسلمان روی آوردند (فرهی، ۱۳۹۰، ص ۳۶). این گروه ها خود را سلفیه نامیده و تمامی افکار خود را منتسب به تفکرات ریشه دار اهل سنت دانستند. در این میان جهاد به عنوان یک نهاد فقهی نقش حائز اهمیت یافت و تکیه گاه بسیاری از استدلال ها در راستای ضرورت مبارزه و ایستادگی جوامع مسلمان در

برابر استعمار غرب شد. به رغم اینکه برخی مبانی مانند پیش‌رو بودن حاکمیت اسلام (ضرورت احیای خلافت اسلامی)، تقویت روحیه جهادی و مبارزه جویانه علیه مستکبران در نظام اسلام و تکیه بر وجوب جهاد ابتدایی میان گروه‌های سلفی مشترک است (مودودی، ۱۳۵۹، صص ۱۷، ۱۰۲-۱۰۴؛ عبدالسلام فرج، ۱۹۸۱م، ص ۱۵). اما میانه‌روی و تندرروی نیز وجود دارد که موجب ظهور جریان‌های مختلف شده است. در نگاه میانه‌رو، اقتدارگرایی اسلام به هیچ وجه در بردارنده زورگویی و استبدادورزی نیست؛ از این رو به کارگیری ابزار خشن و و روش‌های رعب‌انگیز در راستای گسترش اسلام پذیرفته نیست. این رویکرد با عنوان انقلابی‌گری سلفی نیز شناخته می‌شود (قطب، بی‌تا، صص ۲۲-۲۵). در سوی دیگر، جریان تندرو به کارگیری روش‌های اِره‌ابی و خشونت‌ورزانه را به منظور تحصیل قدرت جایز می‌شمارد. این رویکرد کاملاً در راستای گفتمان قدرت حرکت می‌کند و حقانیت را در گرو به دست آوردن قدرت می‌داند؛ حتی اگر از ابزار ناعادلانه استفاده شود. در این رویکرد سلطه‌جویی لازمه اقتدارگرایی و دستیابی به عزت است (میرهاشمی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۹؛ عبدالسلام فرج، ۱۹۸۱م، ص ۶).

۱-۴-۲. خوانش روشنفکری دینی (ذیل نظریه دین و قدرت)

در این رویکرد، اسلام در نشئه اولیه خود یک جنبش پویا و پیش‌رو بوده و پیامبر اسلام با هدف تثبیت قدرت دین در جامعه حرکت کرده است. در آن دوران حمله پیش‌دستانه بهترین دفاع بوده و جهاد ابتدایی چنین نقشی را ایفا کرده و موجب تثبیت دین شده است. این نگرش، جامعه عصر پیامبر ﷺ را که دنبال‌کننده جهاد ابتدایی بوده، جامعه بدوی و دور از نظم کنونی پنداشته، و معتقد است همان‌طور که در گفتمان قدرت، ابزار اصلی جوامع بدوی جنگ و نزاع بوده است، ابزار اصلی نظام اسلام نیز چنین بوده و اکنون هم‌پای تغییر نظام‌ها و نگرش‌ها در روابط بین‌المللی، این ابزار نیز بایستی تغییر کند. این رویکرد توسط بخشی از جامعه روشنفکری نمایندگی شده (سروش، ۱۳۹۹) و با واکنش معارض بخشی دیگر که بیشتر بر جنبه‌های رحمانی و خشونت‌ستیز شریعت تکیه دارد مواجه شده است (کدیور، ۱۳۹۹).

۱-۵. گفتمان مقاصد شریعت

گفتمان مقاصد شریعت را می‌توان در زمره گفتمان‌های درون‌فقهی دانست که در فرایند شکل‌گیری منهج اجتهادی در مقابل گفتمان نص و تعبد قرار می‌گیرد و بیش از آن که خود را به تحلیل نصوص و استظهار از منابع متنی مقید کند، می‌کوشد مقاصد و اهداف احکام الهی را کشف کرده و براساس آن درصدد استنباط احکام برآید.

۱-۵-۱. شاخصه‌های گفتمان مقاصد شریعت

برخی معتقدند نقش آفرینی مقاصد شریعت به‌عنوان یک عنصر تکمیلی در فرایند اجتهاد نص محور فقه است. کارکردهایی مانند نقش تفسیری مقاصد شریعت در نصوص میبیین حکم و نیز حضور آن در عرصه‌های تزاخم از این حیث است (شاطبی، ۱۴۱۷ق، صص ۱۷۱، ۱۷۴؛ علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۳۷۶). نقش و جایگاه مقاصد شریعت در مراحل اقتضا و انشای حکم جلوه‌گر می‌شود که موجب فعلیت یافتن یا نیافتن حکم می‌گردد. نظریه مقاصد از دو باور پیروی می‌کند:

تفکیک فقه به دو حوزه فقه اجتماعی و فردی: رویکرد مقاصدی بر این باور است که اگر یک حکم فقهی، مقاصد اجتماعی و مصلحت امت را تأمین نکند بایستی با دیدۀ تردید نگریسته شود.

نگاه غایی به احکام اجتماعی: در دایره احکام اجتماعی، شارع همواره به‌دنبال تأمین و تضمین غایات و ملاکات حکم است و بدون آن هیچ حکمی به فعلیت نمی‌رسد. در واقع، شارع به‌عنوان فردی از عقلا در زندگی اجتماعی افراد، به تنظیم قوانین پرداخته و برای همه آن‌ها مقاصد و مصالح و مفاسد در نظر گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۵؛ مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۹۳). رویکرد مقاصدی در میان اندیشه‌ورزان فقهی اهل سنت مورد توجه ویژه قرار گرفته است. فقیهانی چون غزالی، آمدی، ابن عبدالسلام و ابن تیمیه که گام‌هایی در راستای نظریه مقاصد برداشته‌اند، همگی بر تعلیل‌پذیری احکام فقهی تأکید دارند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، صص ۴۸-۵۰؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۹، ۵). در میان اندیشه‌ورزان امامیه نیز این رویکرد جایگاه ویژه‌ای دارد. از ظواهر کلام

فقیهان برمی آید که عمدتاً بر اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد متعلق حکم تکیه دارند (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، صص ۱۷۵، ۳۸۷؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۵۲).

در این رویکرد احکام اجتماعی از منظر دست یافتن به غایات و ملاکات به چند دسته تقسیم می شود:

۱. احکامی که دست یابی به اهداف و غایات آن مورد پذیرش عقلاست و بسیاری از قوانین عرفی نیز بر پایه همان تنظیم شده است.

۲. احکامی که دست یابی به اهداف آن به ویژه در دوران حاضر به سبب دگرگونی های حاصل در عرصه روابط مورد تردید است. برخی از احکام جزائی، حدود و ارث از این قبیل اند.

۳. احکامی که در گستره تحول زمان و مکان مقاصد آن دگرگون شده و با عمل به آنها نتایجی برخلاف مصلحت شرع و غرض شارع حاصل می شود. گفته شده جهاد اسلامی در این دسته جای می گیرد.

گفتمان مقاصد شریعت بر این باور است که نقش آفرینی مقاصد شریعت در فعلیت احکام دسته سوم از جمله نیازهای ضروری است؛ در غیر این صورت به نقض هدف غایی شریعت که هدایت بندگان است منجر خواهد شد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۹۳).

۱-۵-۲. خوانش جهاد مبتنی بر گفتمان مقاصد شریعت

با توجه به توضیحاتی که گذشت، عملی شدن جهاد اسلامی با همه فروع و جزئیات آن در دوران حاضر به ویژه به صورتی که در خوانش مبتنی بر گفتمان نص بیان شده، از حیث برآوردن مقاصد و غایات، با تردید جدی روبروست؛ چه اینکه از سویی جهاد در آن دسته از احکام اجتماعی جای دارد که پیوند قطعی با عنصر تأمین کنندگی مقاصد یافته و از سوی دیگر پدیدار شدن تحولات شگرف در روابط بین الملل، آدمی را به طور قطع و یقین هدایت می کند به اینکه توسل به روش جنگ و ابزارهای سخت، تأمین کننده هدف گسترش دعوت دین و پیام حق در جهان کنونی نیست. به بیان

تفصیلی تر چنانچه مقصد غایی جهاد ابتدایی به تصریح قرآن کریم غلبه اسلام بر سایر ادیان و رفع فتنه کفر و شرک از عالم دانسته شود، در گفتمان فقه مقاصد ادعا می شود که نمی توان باور یافت با بسیج لشکر مسلح و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی در دوران سیطره نظام دولت-ملت و حاکمیت قواعد حقوق بین الملل مدرن بر جغرافیای عالم، این هدف تحقق بخشیده شود. به طور مثال گفته می شود آیا تجربه به غایت شکست خورده جریان داعش آینه عبرتی نیست که برای همیشه و به طور قطع و یقین بر ناکارآمدی روش رویارویی سخت و خشونت بار در مسیر تحقق اهداف دین در عصر کنونی صحه نهد؟ آیا نهضت احیای جهاد که طرفداران جریان فکر سلفی به زعم خود در دهه های اخیر به راه انداختند توانسته کمترین دستاوردی در تحقق مقاصد دین به بار نشانند؟ جز اینکه در ذهنیت مردم جهان به مثابه یک جریان امنیت ستیز و تهدید کننده صلح بین المللی شناخته شده و شبهه ها و هجمه های فکری، سیاسی و رسانه ای سنگینی را متوجه اسلام و مسلمانان کرده است؟

شبهه پدید نیاید؛ مسئله مبارزه با ستم و استکبار و مقابله با ظلم و تجاوز، رسالتی ممدوح و پذیرفته شده در داوری عقل و فطرت است، لیکن پی گرفتن این هدف اولاً در گرو جهاد وسیع فکری و فرهنگی در مسیر بیدارسازی وجدان خفته بشریت است و ثانیاً، در گرو نهادینه کردن فلسفه جهاد دفاعی و زدودن موانع عملی شدن آن است که با موضوع این جستار بی ربط است.^۱

بسیاری از تردیدهای مصلحان و اندیشمندان معاصر در خصوص جهاد را می توان ناشی از این دغدغه دانست؛ از این رو خوانش مبتنی بر گفتمان مقاصد می کوشد نخست مقاصد شریعت را در موضوع جهاد با تکیه بر عقل و نص شناسایی کند؛ سپس متون و

۱. وقایعی که در ماه های اخیر و در پی جنایت آفرینی های بی شرمانه و ضدانسانی صهیونیست ها در سرزمین غزه در سراسر جهان رُخ داده و خیزش انبوهی از مردم کشورهای مختلف در میدان همدردی با مظلومان و ضدیت با سیاست های متجاوزان و هم پیمانان بین المللی آنان، بخشی از نهضت معقول و معطوف به هدف دفع ظلم از عالم است که ظهور و بروز یافته و به یاری خداوند به سوی مقصد نفی ظلم و تجاوز پیش می رود. در این مسیر فداکاری های بسیار می باید و خون های ریخته شده مظلومان که به بیداری بیشتر جهانیان کمک کند.

احکام جهاد را در سایه این مقاصد مورد بازخوانی قرار دهد (عبدخدایی و دیگران، ۱۳۹۲، صص ۲۰۷-۲۱۳) و با توجه به میزان محتمل بودن تحقق مقاصد، نسبت به فعلیت یافتن احکام جهاد نظریه پردازی کند. در این راستا، ضروری است به جهاد اسلامی در زمینه تحولات تاریخی عصر ظهور نظر شود و میزان اثربخشی آن در تأمین اهداف عالی دین در هر عصر و دوران مدنظر قرار گیرد؛ توضیح اینکه با همه تردیدها و شبهات حل نشده‌ای که در مورد فتوحات صدر اسلام وجود دارد، باید گفت مسلمانان با تکیه بر سلاح ایمان و روح فداکاری بر امپراتوری فرسوده و ستمزده ساسانی یورش آوردند و آن را ساقط کرده و بیرق اسلام را در سرزمین‌های مفتوحه به اهتزاز درآوردند و از این طریق گام مهمی در تحقق مقاصد دین جلو نهادند. این حرکت مسلح، در ادامه با استقبال ملت‌های ستم‌دیده روبرو شد که به پیام اسلام دل سپردند و خود نهضت فرهنگی و تمدنی اسلام را به سوی تعالی و تکامل پی گرفتند. اما امروزه به حکم تجربه و به واسطه وجود آمدن نظم بین‌المللی، بدون کمترین تردیدی رویکرد تهاجمی به سرزمین‌ها در جهاد ابتدایی اولاً با مقابله و مقاومت ملت‌هایی که درونشان آکنده از تعلقات سرزمینی و ملی است روبرو می‌شود و ثانیاً صلح و امنیت بین‌المللی را به طور جدی به مخاطره می‌اندازد و سرانجام به هیچ‌روی تضمین‌کننده مقاصد عالی جهاد نخواهد بود.

۲. باهم‌خوانی خوانش‌ها

در باهم‌خوانی خوانش‌ها قبل از هر چیز به موضوع همپوشانی برخی خوانش‌ها توجه می‌شود؛ به‌ویژه اینکه میان خوانش جهاد مبتنی بر نص با دیگر خوانش‌ها شبه همپوشانی وسیع وجود دارد؛ از این رو توضیحات ذیل روشنگر خواهد بود.

خوانش مبتنی بر گفتمان نص، به‌مثابه گفتمان غالب فقهی که در طول اعصار سایه عظیم خود را بر سراسر فقه افکنده و دارای ویژگی‌هایی چون تعبد و توقیف، تکیه بر ظواهر نصوص و اجماع و شهرت فقهی است ارائه‌کننده تصویری از جهاد ابتدایی دعوت است که در آن بر مسلمانان فرض است برای دعوت و گسترش اسلام به سوی سرزمین کفر لشگرکشی کرده و غیرمسلمین را بر سر دوراهی اسلام و قتل قرار دهند؛

به استثنای کتابیان که چنانچه در برابر سیادت مسلمین سر تسلیم فرود آورند می‌توانند پیمان ذمه ببندند. این خوانش فقهی از جهاد در برابر خوانش‌های گفتمان‌محور که به‌طور کم‌سابقه در دهه‌های اخیر ظهور کرده‌اند قرار دارد و قسیم آنهاست. در خوانش‌های جدید با رویکردهای عقلی و فلسفی به چستی، چرایی جهاد پرداخته شده و در رازگشایی از جهاد ابتدایی دعوت و غبا زدایی از چهره آن کوشیده شده است و نتایج آن به دو صورت آشکار شده است:

صورت اول: گفتمان‌هایی چون حق‌مداری مبتنی بر حق الهی توحید و آزادی انسان و نیز گفتمان قدرت در رویکرد سلفی تلاش خویش را مدافعه‌جویانه بر خوانشی عمیق‌تر از نص تمرکز بخشیده و کوشیده‌اند پیرایه‌ها از سیمای جهاد بزاینند و چهره‌ای موجه و مقبول از آن ارائه کنند، بدون اینکه ناگزیر شوند از گزاره‌های فقه سنتی جهاد اعراض کنند. پرواضح است که در این خوانش‌ها نقش نص انکار نشده، لیکن جهاد ابتدایی تا حدی چهره‌ای معقول یافته است.

صورت دوم: گفتمان‌هایی چون حق‌مداری مبتنی بر حق امنیت و دفاع، آزادی و اختیار انسان، حق حیات و نیز گفتمان قدرت در رویکرد روشنفکری تجدیدنظرطلب، واقعیت جهاد ابتدایی دعوت در تراث فقه سنتی را در دنیای معاصر غیرقابل توجیه و انتقاد برانگیز یافته‌اند. گفتمان نص محور به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و توقیف و تعبد و برداشت ظاهر‌گرایانه از نصوص به حاشیه رانده شده، فهم سنتی متهم به خطا و لغزش شده و البته نصوص جهاد در سایه مفاهیم حقوق بشری و غیره باز تفسیر شده است. در این میان، گفتمان «دین و قدرت» زمینه‌های تاریخی را در خوانش متن دخالت داده و بر این باور است که در دنیای امروز و مناسبات اجتماعی تحول‌یافته کنونی، جهاد ابتدایی در شکل قلمروگشایی و تهاجمی جایی ندارد. این خوانش کاملاً در تقابل با خوانش مبتنی بر گفتمان نص و تعبد است و هیچ هم‌پوشانی ندارد؛ ازین جهت برای نقد آن باید مبانی آن را شناخت و مورد بررسی قرار داد.

در این میان با دو گفتمان دیگر نیز مواجهیم که هر دو از درون فقه برخاسته‌اند: گفتمان اختصاص که ویژه فقه شیعه است، و جوب جهاد را از آن جهت که امری

مهم و حیاتی است، تنها به عصر حضور معصوم علیه السلام و تحت رهبری پیشوایان الهی اختصاص داده و از این رهگذر خود را در عصر غیبت و شرایط کنونی از هرگونه مسئولیت جدیدی در راستای بازخوانی فقه جهاد معاف گردانده است. این خوانش که خود متکی به نصوص است با گفتمان نص هم‌پوشانی دارد، بدین صورت که در واقع نصوص جهاد را تخصیص زمانی زده است؛ یعنی اینکه در شرایط کنونی جهاد ابتدایی را نهادی تعطیل شده می‌شناسد و در انتظار است سرنوشت بشریت در عصر ظهور از رهگذر جهادی تعیین کننده و سرنوشت ساز به دست حجت و ولی غایب الهی رقم بخورد.

در این میان گفتمان مقاصد شریعت نیز به مثابه رویکردی نوین در فقه معاصر، در تحلیل جهاد مداخله کرده، مبانی گفتمان نص را مورد انتقاد قرار داده و نقش غایات و مقاصد فقه اجتماعی واقعیت جهاد را مورد مطالعه قرار داده است. این خوانش جهاد را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی می‌شناسد که مقاصد و غایاتی چون رفع ظلم، تحقق امنیت ادیان و بلاد و اجرای عدالت را دنبال می‌کند، لیکن بر این باور است که گزاره‌های فقه جهاد ابتدایی در شرایط کنونی که گفتمان حقوق بین‌الملل در مناسبات جهانی سایه افکننده است ناکارآمد بوده، نه تنها به تحقق مقاصد جهاد کمک نمی‌کند، بلکه سایر مقاصد عالی شرع، چون حفظ نظام دین و دنیای مسلمین را نیز مورد آسیب جدی قرار می‌دهد. بنابراین، این خوانش در تقابل کامل با گفتمان نص نیست و نیز سایر گفتمان‌ها را نیز انکار نمی‌کند، بلکه در این خوانش تأکید بر این است مادامی که شرایط متفاوتی پدید آید که جهاد ابتدایی بتواند به غایات و مقاصد خود برسد، احکام فقهی آن متناسب با شرایط و به شرط تأمین کنندگی مقاصد فعلیت می‌یابد. به بیان خلاصه، در این خوانش نصوص باب جهاد تحت نظارت مقاصد شرع قرار دارد.

نتیجه‌گیری

در جستار فوق با رویکردی مبتکرانه، نهاد فقهی جهاد اسلامی از منظر خوانش‌هایی چند که هریک در گفتمان‌های درون فقهی و برون فقهی خاستگاه یافته است، تحلیل شد:

شماری از خوانش‌های گفتمان‌محور جهاد که درصدد ارائه تفسیر علت‌جویانه و فلسفی از جهاد برآمده‌اند، در برابر خوانش مبتنی بر گفتمان نص‌محور قرار دارند. برخی رسالت مدافعه‌جویانه فلسفه‌یابی را برای گفتمان سنتی جهاد پی گرفته‌اند و برخی دیگر با رهیافت انتقادی درصدد ویرایش داده‌های موجود در تراث فقهی شیعه و اهل سنت و ارائه چهره‌ای متمایز از جهاد اسلامی برآمده‌اند. خوانش‌های فلسفی از جهاد در ذیل گفتمان‌ها که هریک در دوران غلبه یک گفتمان در میان متفکران اسلامی رونق و رواج داشته، سهمی در ارائه چهره‌ای عقلانی و خردپذیر از این نهاد فقهی بر عهده داشته و کوشیده غبار شبهه‌هایی چون دین‌خسونت‌ورز و فقه‌خسونت‌گستر از رخسار آن دو بزداید. در این میان خوانش مبتنی بر گفتمان مقاصد که اجرا یا تعطیلی جهاد ابتدایی را در پرتو گفتمان مقاصد تبیین و تحلیل کرده است، موجه‌ترین خوانش به نظر می‌رسد. می‌توان گفت وجه تمایز گفتمان مقاصد شریعت نسبت به سایر گفتمان‌ها آن است که اندیشه‌های کهن فقهی را نسبت به پدیده جهاد ابتدایی می‌پذیرد و قرائت سنتی از جهاد ابتدایی را به کلی تخطئه نمی‌کند، بلکه آن را در پرتو مقاصد شریعت تحلیل کرده و معتقد است تفسیر کهن از جهاد در رخدادها و مناسبات بین‌المللی صدر اسلام و چند قرن بعد از آن کارآمد بوده است، لیکن در دوران حاضر توجه به مقاصد شریعت، بازخوانی در نصوص را لازم می‌آورد؛ امری که در اجتهاد فقهی ظرفیت آن یافت می‌شود و نتیجه آن هم‌سویی و مقبولیت جهاد اسلامی با رویکردهای حقوق بین‌الملل نوین است که اصل را بر صلح مبتنی ساخته و موارد جنگ را به دفاع مشروع محدود کرده است. در این میان بر این نکته تأکید می‌شود که ممکن است شرایط به‌سمتی پیش رود که مجدداً جنگ‌های تعرضی و تهاجمی موضوعیت پیدا کند و روشی تأمین‌کننده برای مقاصد دین به کار آید. تفصیل بحث و استدلال در این باره، مجال فراخ دیگری می‌طلبد که نویسندگان در مقاله‌ای دیگر آن را دنبال خواهند کرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (ج ۱ و ۲، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۱۶ق). مجموع الفتاوی (محقق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، ج ۲۰). مدینه منوره: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن عبدالسلام، عبدالعزيز. (۱۴۱۴ق). قواعد الاحکام فی مصالح الانام (با تعلیق طه عبدالرؤوف سعد) (ج ۱). بیروت: مکتبه الکلیات الأزهریة.
۶. ابن قدامة، عبدالله بن أحمد بن محمد. (۱۳۸۸ق). المغنی (ج ۱۰). مصر: مکتبه القاهرة.
۷. ابن همام، محمد بن عبدالواحد. (۱۳۸۹ق). فتح القدير على الهداية (ج ۵). مصر: مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
۸. اسلامی، رضا. (۱۳۸۴). مدخل علم فقه: ادوار، منابع، مفاهیم، کتابها و رجال فقه مذاهب اسلامی. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۹. اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۲۹ق). نهاية الدراية فی شرح الكفاية (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۱۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۶ق). فرائد الاصول (ج ۱، چاپ پنجم). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۷۹). آزادی در قرآن. تهران: ذکر.
۱۲. بابایی آریا، محمدعلی. (۱۳۸۷). آشنایی با پیشینه، مبانی و دیدگاههای مذهب شیعه. تهران: مشعر.

۲۲۱
فقه

۱۳. بخشایشی اردستانی، احمد. (۱۳۷۶). اصول علم سیاست. تهران: آوای نور.
۱۴. جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ق). احکام القرآن (ج ۱۰). لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه (ج ۱۱، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. حلبی، ابوالصلاح. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه. کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۷. خوانساری، سید احمد بن یوسف. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (ج ۵). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۸. دانش پژوه، مصطفی؛ خسروشاهی، قدرت الله. (۱۳۷۹). فلسفه حقوق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۹. دایک، تون آدریانوس فان. (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی (گروه مترجمان: پیروز ایزدی و دیگران). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیق.
۲۰. راوندی، قطب‌الدین. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن (ج ۲، چاپ دوم). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۲۱. روحانی، محمدصادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق (ج ۱۳، چاپ اول). قم: دارالکتاب-مدرسه امام صادق علیه السلام.
۲۲. الزحیلی، وهبه. (۱۴۱۹ق). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی. بیروت: دارالفکر.
۲۳. سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۲۹ق). المبسوط (ج ۵، چاپ اول). بیروت: دارالفکر.
۲۴. سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۹). حلقه دیدگاه‌های نو (نظریه دین و قدرت). جلسه سوم، بحث جهاد.
۲۵. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ق). المراسم العلویة والأحكام النبویة (چاپ اول). قم: منشورات الحرمین.
۲۶. شاطبی، ابراهیم بن موسی. (۱۴۱۷ق). الموافقات. مصر: دار ابن عفان.

۲۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (محمشی): سید محمد کلانتر، ج ۱ و ۴، چاپ اول). قم: کتابفروشی داوری.
۲۸. صابری، حسین. (۱۳۸۱). فقه و چالش میان تعبد و تعلیل. مطالعات اسلامی (فقه و اصول)، ش ۵۷، صص ۲۱-۵۲.
۲۹. صاحب جواهر، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، ج ۲۱، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۰. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۸۲). جهاد در اسلام. تهران: نشر نی.
۳۱. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۲. طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ج ۸، چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البتین ع.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱). تهران: ناصر خسرو.
۳۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲). لبنان: دار المعرفة.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط (محقق: سید محمدتقی کشفی، ج ۲، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهاية (چاپ دوم). بیروت: دار الكتاب العربي.
۳۷. عبدالسلام فرج، محمد. (۱۹۸۱م). الجهاد الفريضة الغائبة. بی‌جا: بی‌نا.
۳۸. عبدخدایی، بشری؛ فخلعی، محمدتقی و حائری، محمدحسن. (۱۳۹۲). کارکرد مقاصد شریعت در فقه سیاسی با تکیه بر نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ج ۹، چاپ اول). قم، مؤسسه آل‌البتین ع.
۴۰. علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). فقه و مصلحت. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۱. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۱۲ق). فقه سیاسی (ج ۱، چاپ چهارم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۲. عیوضی، محمد. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی گفتمان عدالت در دولت دینی. معرفت سیاسی، صص ۱۹۵-۲۲۷.
۴۳. فخلعی، محمدتقی. (۱۳۹۴). رهیافت فقهی در حقوق بین الملل. مشهد: دانشگاه فردوسی، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی.
۴۴. فرهی، عبدالله؛ آینه‌وند، صادق. (۱۳۹۰). بررسی سیر رشد و ساختار تشکیلاتی جنبش اخوان المسلمین. نشریه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۲۶، صص ۳۴-۴۵.
۴۵. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن (ج ۲). تهران: ناصر خسرو.
۴۶. قطب، سید محمد. (بی‌تا). معالم فی الطریق. دمشق: بی‌نا.
۴۷. کدیور، محسن. (۱۳۹۹). چالش اسلام و قدرت، برگرفته از <https://kadivar.com/18439/>
۴۸. کدیور، محسن. (۱۳۹۹). نقد کتبی به دیدگاه‌های سروش، برگرفته از: <https://kadivar.com/18477/>
۴۹. کمیسیون حقوق بشر اسلامی. (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر. قم: انتشارات آیین احمد.
۵۰. ماوردی، علی بن محمد. (۱۴۱۹ق). الحاوی الکبیر فی الفروع (ج ۱۴). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۱. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۱، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۵۲. محمد رشید، رضا. (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار (ج ۲). لبنان: دار المعرفة.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ الف). اخلاق در قرآن (محقق و نگارنده: محمدحسین اسکندری، ج ۳). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ ب). نظریه حقوقی اسلام (محقق و نگارش: محمد مهدی نادری قمی، محمد مهدی کریمی‌نیا). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۵۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). جهاد. تهران: صدرا.
۵۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). هدف زندگی (ج ۳). تهران: صدرا.
۵۷. مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰). أصول الفقه (ج ۲، چاپ پنجم). قم: انتشارات اسلامی.
۵۸. مودودی، ابوالاعلی. (۱۳۵۹). فلسفه جهاد در اسلام (مترجم: محمود خضری). تهران: اسلامی.
۵۹. میرهاشمی، محمد. (۱۳۹۹). مبانی فکری سلفیه جدید. قم: نشر ادیان.

References

* The Holy Qur'an

1. Abdekhodaei, B., Fakhilai, M. T., & Haeri, M. H. (2013). *The function of the objectives of Sharia in political jurisprudence with an emphasis on Nahj al-Balagha* (Master's thesis). Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
2. Akhund Khorasani, M. K. b. Husayn (1988). *Kifayat al-Usul* (1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
3. Alidoust, A. (2009). *Fiqh and Maslaha*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute. [In Persian]
4. Allameh Helli, H. (1993). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Vol. 9, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
5. Amid Zanjani, A. (1991). *Political Fiqh* (Vol. 1, 4th ed.). Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
6. Ansari, M. (1995). *Faraid al-Usul* (Vol. 1, 5th ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
7. Ayazi, S. M. A. (2000). *Freedom in the Quran*. Tehran: Zekr. [In Persian]
8. Babaei Arya, M. A. (2008). *An Introduction to the Background, Principles, and Views of the Shi'a School of Thought*. Tehran: Mash'ar. [In Persian]
9. Bakhshayeshi Ardestani, A. (1997). *Principles of Political Science*. Tehran: Avaye Noor. [In Persian]
10. Daneshpajouh, M., & Khosroshahi, G. (2000). *Philosophy of Law*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
11. Dijk, T. A. van. (2003). *Studies in Discourse Analysis: From Text Grammar to Critical Discourse Analysis* (P. Izadi et al., Trans.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Center for Studies and Research. [In Persian]
12. Esfahani, M. H. (2008). *Nihayat al-Diraya fi Sharh al-Kifaya* (2nd ed.). Beirut: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [In Arabic]

13. Eslami, R. (2005). *An Introduction to the Science of Fiqh: Its Periods, Sources, Concepts, Books, and Scholars of Islamic Schools of Thought*. Qom: Center for Management of the Islamic Seminary of Qom. [In Persian]
14. Eyvazi, M. (2009). *Pathology of the discourse of justice in a religious government. Political Ma'arifa*, 195-227. [In Persian]
15. Fakhilai, M. T. (2015). *A jurisprudential approach to international law*. Mashhad: Ferdowsi University, Research Institute of Islamic Studies in Humanities. [In Persian]
16. Farahi, A., & Ayinevand, S. (2011). *Examining the growth and organizational structure of the Muslim Brotherhood movement. Studies of Proximity of Islamic Denominations*, (26), 34-45. [In Persian]
17. Faraj, M. A. (1981). *Al-Jihad al-Faridah al-Gha'ibah*.
18. Halabi, Abu al-Salah. (1983). *Al-Kafi fi al-Fiqh*. Public Library of Imam Amir al-Mu'minin. [In Arabic]
19. Hur Amili, M. (1988). *Wasa'il al-Shi'a* (Vol. 11, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
20. Ibn Abd al-Salam, A. (1993). *Qawaid al-Ahkam fi Masalih al-Anam* (T. A. Saad, Ed., Vol. 1). Beirut: Maktabat al-Kulliyat al-Azhariyya. [In Arabic]
21. Ibn Humam, M. b. Abd al-Wahid. (1969). *Fath al-Qadir ala al-Hidaya* (Vol. 5). Cairo: Maktabat wa Matbaat Mustafa al-Babi al-Halabi wa Awladuh. [In Arabic]
22. Ibn Idris Hilli, M. b. A. (1989). *Al-Sarair al-Hawi li-Tahrir al-Fatawa* (Vols. 1 & 2, 2nd ed.). Qom: Office of Islamic Publications. [In Arabic]
23. Ibn Qudama, A. (1968). *Al-Mughni* (Vol. 10). Cairo: Maktabat al-Qahira. [In Arabic]
24. Ibn Shuba, H. (1983). *Tuhaf al-Uqul*. Qom: Jamiat al-Mudarrisin. [In Arabic]
25. Ibn Taymiyya, A. (1995). *Majmu' al-Fatawa* (A. b. M. b. Qasim, Ed., Vol. 20). Medina: King Fahd Complex for the Printing of the Holy Quran. [In Arabic]

26. Islamic Human Rights Commission. (2009). *Human rights in the contemporary world*. Qom: Ayin Ahmad Publications. [In Persian]
27. Jassas, A. b. Ali. (1984). *Ahkam al-Quran* (Vol. 10). Lebanon: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
28. Kadivar, M. (2020). *The challenge between Islam and power*. Retrieved from <https://kadivar.com/18439/> [In Persian]
29. Kadivar, M. (2020). *Written critique of Soroush's views*. Retrieved from <https://kadivar.com/18477/> [In Persian]
30. Khwansari, S. A. b. Yusuf. (1984). *Jami al-Madarik fi Sharh Mukhtasar al-Nafi'* (Vol. 5). Qom: Isma'iliyya Institute. [In Arabic]
31. Mawardi, A. b. M. (1998). *Al-Hawi al-Kabir fi al-Furu'* (Vol. 14). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
32. Mawdudi, A. A. (1980). *The philosophy of Jihad in Islam* (M. Khazari, Trans.). Tehran: Islami. [In Persian]
33. Mesbah Yazdi, M. T. (2012a). *Morality in the Qur'an* (M. H. Eskandari, Ed., Vol. 3). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
34. Mesbah Yazdi, M. T. (2012b). *The Islamic legal theory* (M. M. Naderi Qomi & M. M. Karimi Nia, Eds.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
35. Mirhashemi, M. (2020). *The intellectual foundations of the new Salafism*. Qom: Adyan Publications. [In Persian]
36. Motahhari, M. (1988). *Jihad*. Tehran: Sadra. [In Persian]
37. Motahhari, M. (2011). *The purpose of life* (Vol. 3). Tehran: Sadra. [In Persian]
38. Muhaqqeq Helli, J. b. H. (1988). *Shara'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
39. Muzaffar, M. R. (2009). *Usul al-Fiqh* (Vol. 2, 5th ed.). Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
40. Qurtubi, M. b. A. (1985). *Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an* (Vol. 2). Tehran: Naser Khosrow. [In Persian]

41. Qutb, S. M. (n.d.). *Ma'alim fi al-Tariq*. Damascus.
42. Ravandi, Q. al-Din. (1984). *Fiqh al-Quran* (Vol. 2, 2nd ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
43. Reza, M. R. (1993). *Tafsir al-Qur'an al-Hakim (Tafsir al-Manar)* (Vol. 2). Lebanon: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
44. Rouhani, M. S. (1992). *Fiqh al-Sadiq* (Vol. 13, 1st ed.). Qom: Dar al-Kitab – Imam Sadiq School. [In Arabic]
45. Saberi, H. (2002). *Fiqh and the Challenge Between Devotion and Reasoning. Islamic Studies (Fiqh & Usul)*, (57), 21-52. [In Persian]
46. Sahib Jawahir, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam* (Ed. A. Qochani & A. Akhundi, Vol. 21, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
47. Salehi Najafabadi, N. (2003). *Jihad in Islam*. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
48. Sallar Daylami, H. b. A. (1983). *Al-Marasim al-Alawiyya wa al-Ahkam al-Nabawiyya* (1st ed.). Qom: Al-Haramayn Publications. [In Arabic]
49. Sarakhsi, M. b. Ahmad. (2008). *Al-Mabsut* (Vol. 5, 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
50. Shahid Thani, Z. (1989). *Al-Rawda al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'a al-Dimashqiyya* (S. M. Kalantar, Ed., Vols. 1 & 4, 1st ed.). Qom: Dawari Bookstore. [In Arabic]
51. Shatebi, I. (1996). *Al-Muwafaqat*. Egypt: Dar Ibn Affan. [In Arabic]
52. Soroush, A. (2020). *The Circle of New Perspectives (The Theory of Religion and Power)*. Third session, Jihad discussion. [In Persian]
53. Tabari, M. (1992). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 2). Lebanon: Dar al-Ma'arifa. [In Arabic]
54. Tabarsi, F. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 1). Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic]
55. Tabatabai Karbalai, A. (1997). *Riyad al-Masa'il* (Vol. 8, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]

56. Tabatabai, S. M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Trans. S. M. Mousavi Hamadani, Vol. 1, 5th ed.). Qom: Office of Islamic Publications of the Jamiat al-Mudarrisin of the Islamic Seminary. [In Persian]
57. Tusi, M. (1980). *Al-Nihaya* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
58. Tusi, M. b. Hasan. (2008). *Al-Mabsut* (S. M. T. Kashfi, Ed., Vol. 2, 3rd ed.). Tehran: Maktabat al-Murtadawiyya li-Ihya al-Athar al-Ja'fariyya. [In Arabic]
59. Zuhayli, W. (1998). *Effects of War in Islamic Jurisprudence*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]